

The Perspective of Responsibility for Protection in Kenya and Its Reflection on the International Community

Parisa Habibi Sorki¹, Seyed Mehdi Zakerian Amiri^{2*}, Seyed Abdul Ali Qawam, Seyed Ali Asghar Kazemi⁴

1. PhD student of International Relations, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Faculty Member of Department of International Relations, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Professor, Faculty Member of Department of Political Science and International Relations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
4. Professor, Member of the Faculty of Law and Political Science Department, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 39-56

Article history:

Received: 5 May 2023

Edition: 1 Jul 2023

Accepted: 29 Aug 2023

Published online: 2 Sep 2023

Keywords:

Responsibility to Protect, Kenya, Prevention, African Union, United Nations.

Corresponding Author:

Seyed Mehdi Zakerian Amiri

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Unit.

Orchid Code:

000-0002-4719-6691

Tel:

09126052834

Email:

zakerian@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Support responsibility includes responsibility, reaction and change. The perspective of support in Kenya and its reflection on the society is examined.

Materials & Methods: The research method is descriptive and analytical.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness are observed.

Findings: The Responsibility to Protect comprises the responsibility to prevent, to react, and to rebuild. What sets R2P apart from the previously prevailing idea of humanitarian intervention is, first, an emphasis on prevention, and second, a stated preference for a multilaterally coordinated response to crises. The third and perhaps newest feature of R2P is the idea that regional organizations have an important role to play in facilitating conflict resolution and the implementation of the Responsibility to Protect. Kenya's post-election violence.

Conclusion: in 2007 was widely viewed as the first case of 'R2P prevention'. Kenya was seen as R2P's success story – multilaterally orchestrated action to prevent an escalation of conflict, with heavy reliance on regional actors. This paper questions to what extent this account holds true, and whether the Kenyan case really was a successful instance of 'R2P prevention'. An analysis of the Kenyan case ultimately leads to the conclusion that the application of R2P was, in fact, unrelated to the success of the conflict mitigation efforts. The Kenyan context was one which was favorable to the success of the mediation, and it is unlikely R2P would have succeeded without these contingent factors.

Cite this article as:

Habibi Sorki P, Zakerian Amiri SM, Qawam SAA, Kazemi SAA. *The Perspective of Responsibility for Protection in Kenya and Its Reflection on the International Community*. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.

دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

چشم‌انداز مسئولیت حمایت در کنیا و بازتاب آن بر جامعه بین‌المللی

پریسا حبیبی سورکی^۱، سیدمهدی ذاکریان امیری^{۲*}، سید عبدالعلی قوام^۳، سید علی اصغر کاظمی^۴

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استاد، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. استاد، عضو هیئت علمی گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مسئولیت حمایت شامل مسئولیت پیش‌گیری، واکنش و بازسازی است. در این پژوهش چشم‌انداز مسئولیت حمایت در کنیا و بازتاب آن بر جامعه بررسی می‌شود. **مواد و روش:** روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی است. **ملاحظات اخلاقی:** در انجام پژوهش اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: مسئولیت حمایت شامل مسئولیت پیش‌گیری، واکنش و بازسازی است. آنچه R2P را از ایده پیشین غلبه بر مداخلات بشردوستانه متمایز می‌سازد، اول، تأکید بر پیش‌گیری است و دوم اولویت آشکاری است که برای واکنش چند جانبه هماهنگ در مواجهه با بحران قائل است. سومین و شاید جدیدترین ویژگی آن، این است که سازمان‌های منطقه‌ای نقش مهمی در تسهیل حل منازعات و اجرای این مسئولیت دارند. **نتیجه‌گیری:** خشونت پس از انتخابات کنیا در سال ۲۰۰۷ به‌عنوان اولین مورد پیش‌گیری از R2P به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفت. کنیا به‌عنوان داستان موفقیت R2P دیده می‌شود: اقدام چندجانبه برای پیش‌گیری از تشدید اختلاف و وابستگی شدید به بازیگران منطقه‌ای. هدف این مقاله بررسی صحت و سقم این ادعاست. این مقاله سؤال می‌کند آیا پرونده کنیا واقعاً نمونه‌ای موفق از پیش‌گیری R2P بود؟ تجزیه و تحلیل مورد کنیا در نهایت منجر به این نتیجه‌گیری می‌شود که کاربرد R2P به موفقیت در تلاش برای مقابله با جنگ منجر نمی‌شود. این بافت کنیا بود که برای موفقیت میانجی‌گری مطلوب بود و بعید است که R2P بدون این عوامل احتمالی موفق می‌شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹-۵۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۱۱

واژگان کلیدی:

اتحادیه آفریقا، پیش‌گیری، سازمان ملل متحد، کنیا، مسئولیت حمایت.

نویسنده مسئول:

سید مهدی ذاکریان امیری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

کد ارکید:

000-0002-4719-6691

تلفن:

۰۹۱۲۶۰۵۲۸۳۴

پست الکترونیک:

zakeriyan@yahoo.com

۱. مقدمه

مسئولیت حمایت (R2P) شامل مسئولیت پیش‌گیری، واکنش و بازسازی است. اصل «مسئولیت حمایت» می‌گوید: «یک حکومت نباید بر ضد مردم خود باشد و علیه مردم خودش به کشتار دست جمعی، جنایت جنگی، پاک‌سازی نژادی یا قومی و یا جنایت علیه بشریت دست بزند و این ستم را با حق حاکمیت و اصولی چون عدم دخالت و برابری دولت‌ها توجیه کند. از نظر بیرونی چنین حکومتی خطری جدی برای خلق‌های دیگر است و جامعه بین‌الملل حق دخالت در آن کشور را دارد».

این دخالت از آغاز قهرآمیز و مسلحانه نیست. می‌توان در بدو امر با آن حکومت، برخورد حقوقی کرد یا از نظر سیاسی، اقتصادی در تنگنا قرار داد تا از آزار مردم خودش دست بردارد؛ اما می‌تواند به برخورد نظامی هم کشیده شود. دخالتی که باید تغییر اوضاع و دیپلماسی تازه‌ای را در چشم‌انداز خودش داشته باشد و به دور و تسلسل جنگ و کشتار پایان دهد. ضمناً این دخالت نظامی باید واقعاً اجتناب‌ناپذیر باشد؛ یعنی روش‌های دیپلماتیک جواب نداشته باشد. نکته دیگر اینکه این دخالت لزوماً سقوط حکومت ضد مردمی را از ابتدا در نظر نداشته باشد و سرنگونی (حتی اگر اعلام نشود) هدف از پیش تعیین شده نباشد.

این مقاله خلاصه‌ای از وقایع پیش از انتخاب انتخابات کنیا در سال ۲۰۰۷ و آغاز خشونت را پس از نتایج انتخابات مورد بحث قرار داده است و سپس پاسخ‌های اولیه صورت‌گرفته در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به این بحران را مطرح و نشان می‌دهد که فشار اعمال‌شده از این سطوح به

حل‌وفصل صلح‌آمیز و غیر قهری اختلاف منجر شده است. هدف این مقاله نقد کردن استفاده از برجسب مسئولیت حمایت در پرونده کنیا است. به عبارت دیگر هدف این مقاله نقد کاربرد عنوان مسئولیت حمایت در مورد کنیا است. آیا اقدامات انجام‌شده در کنیا واقعاً ناشی از مسئولیت حمایت بود؟ اگر چنین است چرا در کنیا اتفاق افتاد؟ این مقاله به‌طور انتقادی ادعا می‌کند که مسئولیت حمایت نمونه‌ای موفق از «مسئولیت پیش‌گیری» است.

سه ویژگی که مسئولیت حمایت را از ایده مداخله بشردوستانه که در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد، جدا می‌کند این است که اولویت آن تأکید بر پیش‌گیری است. دوم، برتری آشکار برای یک پاسخ چندجانبه هماهنگ؛ و سوم، مطلوبیت رضایت محلی و/یا مشارکت منطقه‌ای در تلاش‌ها برای حل‌وفصل منازعات. تأکید مسئولیت حمایت بر پیش‌گیری در ابتدا در گزارش سال ۲۰۰۱ ICISS مطرح، سپس در بند ۱۳۸ سند خروجی اجلاس سران سال ۲۰۰۵ گنجانده شد و در گزارش ۲۰۰۹ دبیر کل که رویکرد سه ستونی را در بر می‌گیرد، کامل‌تر شد.

۲. مواد و روش: روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

۳. ملاحظات اخلاقی: در انجام پژوهش اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

ماندن ضروری است (Karuti, 2009) گاهی اوقات نارضایتی‌ها به علت فساد موجود در تخصیص زمین در طرح‌های توزیع، شدیدتر می‌شد (Mbura, 2009) هادهای مدیریت زمین در زمینه ارائه کمک برای حل و فصل اختلافات زمین کاری انجام نمی‌دادند و کارگزاران ارشد دولتی، هیئت‌های اداری محلی، مدیران استانی و سیاست‌مداران، زمین‌های دولتی و یا خصوصی را غیرقانونی و نامتعارف با مصونیت از مجازات به خود اختصاص می‌دادند؛ بنابراین، یک توضیح برای خشونت پس از انتخابات، این بود که افراد اعتماد خود به این نهادها از دست داده بودند و مایل بودند که کنترل امور را خود به دست بگیرند؛ بنابراین به خشونت متوسل شدند.

انتخابات در سال ۲۰۰۷ منجر به ایجاد یک فضای سیاسی فرار شد و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که بحران می‌توانست تشدید شود. گزارش کمیسیون ملی حقوق بشر کنیا (KNCHR) اشاره می‌کند که سازمان و روش خشونت، با حملات انجام‌شده منظم نظامی همراه بود. حمله به گروه‌ها تحت مراسم سوگند خوردن صورت گرفت، هر دونیروی کالنجین و کیکویو با وسایل نقلیه جابه‌جا می‌شدند. تجهیزات مسدود کردن جاده‌ها برپا و مسافران با توجه به قومیت مورد هدف قرار گرفتند. مناطقی که تحت تأثیر بیشترین آسیب‌ها قرار گرفتند دره ریفت، نیانزا و مناطق غربی، ساحل، مرکزی بودند.

در ابتدا، رایلا اودینگا، به نمایندگی از جنبش دموکراتیک نارنجی (ODM)، در شمارش آرا در ۲۸ دسامبر رأی بیشتری داشت، اما تنها به ۳۸۰۰۰ رأی از ۹۰ درصد از آرا شمارش‌شده در ۲۹ دسامبر دست

۴. یافته‌ها: مسئولیت حمایت شامل مسئولیت پیش‌گیری، واکنش و بازسازی است. آنچه R2P را از ایده پیشین غلبه بر مداخلات بشردوستانه متمایز می‌سازد، اول، تأکید بر پیش‌گیری است و دوم اولویت آشکاری است که برای واکنش چند جانبه هماهنگ در مواجهه با بحران قائل است. سومین و شاید جدیدترین ویژگی آن، این است که سازمان‌های منطقه‌ای نقش مهمی در تسهیل حل منازعات و اجرای این مسئولیت دارند.

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم و مسائل اصلی پژوهش و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. بحران پس از انتخابات در کنیا

کاگوانجا و ساوت هال چندین دلیل را برای وقوع خشونت در کنیا شناسایی کرده‌اند، از جمله: رشد جمعیت و فقر گسترده؛ ساخت ائتلاف‌های سیاسی در سراسر ۴۲ گروه قومی کنیا؛ به کارگیری شبه نظامیان مسلح توسط نخبگان و مهم‌تر از همه، منازعات سرزمینی که قدمت آن به دوران استعمار می‌رسد، در کنار گروه‌های قومی (بین کالنجین و کیکویو در دره ریفت) سازمان‌یافته‌اند (Kagwanja, 2008) & Southall، اصلاحاتی که از طریق طرح‌های شهرک‌سازی و برنامه خرید زمین توسط دولت‌ها پی‌درپی پیگیری شده بود، مسئله زمین را به مسئله‌ای قومی تبدیل و زمینه را برای درگیری در سطح قومی به وجود آورد. مالکیت زمین به موفقیت‌های اجتماعی و اقتصادی در کنیا مرتبط است و زمین و اموال برای حفظ تأمین معیشت وزنده

گروه قومی کیباکی انجام شد؛ زیرا مخالفان معتقد بودند که آن‌ها به حزب وحدت ملی رأی دادند. اواخر سال ۲۰۰۸ جوانان کیکویو و شبه‌نظامیان مونگیکی، در واکنش به کشتار و وضعیت آوارگان در مواضع جنبش دموکراتیک نارنجی، در حملات تلافی‌جویانه در نایروبی و بخش‌هایی از درهٔ ریف و مرکز کنیا وارد شدند و لو، لوهیا و کالنجین و گروه‌های قومی که به‌طور سنتی از جنبش دموکراتیک نارنجی پشتیبانی می‌کردند را هدف قرار دادند. (Kagwanja, 2008)

خشونت در نهایت با امضای توافق ملی در تاریخ ۲۸ فوریهٔ سال ۲۰۰۸ پایان یافت که پس از یک فرآیند میانجی‌گری که جزئیات بیشتری در مورد آن در نظر گرفته شده بود، به یک توافق تقسیم قدرت منجر شد. با این حال، در زمانی که توافق پذیرفته شد حدود ۲۰۰۰-۱۳۰۰ از مردم کشته‌شده بودند. بیشتر از ۶۰۰۰۰-۴۰۰۰۰ نفر آواره شده و اختلال در کشاورزی به یک بحران انسانی منجر شد. (Kagwanja, 2009).

۵-۱-۱. «مسئولیت پیش‌گیری»: ارزیابی اقدامات پیش‌گیرانهٔ ساختاری و مستقیم

مسئولیت حمایت از پیش‌گیری بیش از عکس‌العمل طرفداری می‌کند. اگر پیش‌گیری از خشونت سیاسی موفقیت‌آمیز باشد، نیازی به مداخله برای متوقف کردن قساوت‌ها و جرائم علیه بشریت رخ داده، وجود نخواهد داشت. تأکید بر پیش‌گیری مستلزم تعریف روشنی از این واژه است. در یک تعریف محدود، می‌توان استدلال کرد که در مورد کنیا، آستانهٔ واکنش، بیش از این با ۱۰۰۰ کشته و تعداد بسیاری

یافت. در ۳۰ دسامبر کمیسیون انتخابات کنیا اعلام کرد موای کیباکی، نامزد حزب وحدت ملی (PNU)، با کسب بیش از ۴۷٪ از آرای ملی در مقابل اودینگا با ۴۴٪ درصد برنده شده است. ۹٪ آرای باقی‌مانده برای کالونزو موسیوکا، نمایندهٔ جنبش دموکراتیک نارنجی-کنیا (ODM-K) بود. این نتیجه سبب تخصیص ۹۹ کرسی برای جنبش دموکراتیک نارنجی و ۴۳ برای حزب وحدت ملی شد. با این حال، با شمارش کرسی‌های احزاب متحد، جنبش دموکراتیک نارنجی توانست حمایت تنها ۱۰۳ نمایندگان مجلس را در مقابل ۱۰۴ حزب وحدت ملی به‌دست بیاورد. پس از اعلام نتایج، کیباکی برای یک دورهٔ پنج‌سالهٔ دوم در تاریخ ۳۰ دسامبر با وجود درخواست مخالفان و ناظران بین‌المللی برای بازشماری آرا، سوگند یاد کرد. نظریه‌ای در همه جا پخش شد که تعداد آرای به نفع کیباکی دستکاری شده است. حامیان اودینگا در جنبش دموکراتیک نارنجی (نایروبی، نیانزا و دره ریف) شروع به اعتراض به انتخابات با برپایی تظاهرات کردند که به‌زودی به خشونت‌های منجر به قتل، غارت و تجاوز به عنف تبدیل شد. با این وجود، جنبش دموکراتیک نارنجی حاضر به رفع اختلاف در دادگاه‌ها نبود، با توجه به اینکه کیباکی شش قاضی را برای دادگاه تجدیدنظر و دادگاه عالی چند روز قبل از منصوب کرده بود.

در روزهای بعد خشونت، با قتل‌های قومیتی، تجاوز به عنف و غارت شدیدتر شد. در روز سال نو ۳۹ نفر که عمدتاً زنان، کودکان و افراد معلول بودند در یک کلیسا در کیامبا، نزدیک به الدورت سوزانده شدند. آتش‌سوزی توسط حامیان جنبش دموکراتیک نارنجی ایجاد شده بود. خشونت عمدتاً علیه کیکویو،

منطقه‌ای، زیر منطقه‌ای و شرکای جامعه مدنی به کار گرفته شود وطن‌ها به خود دولت‌ها اکتفا نشود (UN Department of Public Information, 2008) این مجموعه ابزار شامل اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مانند دخالت دبیر کل سازمان ملل؛ مأموریت حقیقت‌یاب، میانجی‌گری از طریق سازمان‌های شایسته؛ تهدید به تحریم سیاسی؛ ممنوعیت‌های سفر هدف‌دار و بایکوت دارایی است. واکنش‌ها هم-چنین ممکن است شامل انگیزه‌های مثبت و منفی مانند وعده‌های مالی یا سرمایه‌گذاری و یا برعکس، تهدید به خروج سرمایه‌گذاری و یا عدم توسعه و کمک حمایتی صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی باشد. در حوزه حقوقی، ابزارهای پیش‌گیری شامل تهدید به پیگرد دیوان کیفری بین‌المللی است. در نهایت، در برخی موارد، «پیش‌گیری مستقیم» ممکن است شامل تهدید به استفاده از زور باشد. (International Commission on Intervention and State Sovereignty, 2001, 25)

۵-۱-۲. پیش‌گیری بدون زور: سازمان ملل متحد و اهداکنندگان خارجی

ارزیابی‌های اولیه پاسخ‌های بین‌المللی به بحران در کنیا مثبت بودند. دیدگاه غالب این بود که برای یک‌بار، فشارهای بین‌المللی متحد و اقدامات به شکلی هماهنگ انجام شده بودند. واکنش‌های اهداکنندگان نسبت به سایر موارد خیلی بیشتر بر پیش‌گیری متمرکز بودند و اهداکنندگان از بهره‌مندی از این شرایط به‌عنوان استراتژی برای ترویج دموکراسی اجتناب کرده بودند. (Brown, 2007) در تقابل با رویکردهای گذشته به انتخابات

آواره محقق شده است. از این رو در بعضی حوزه‌ها، برخلاف آنچه در گزارش کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها و آثار و گزارش بعدی مطرح شده است، مسئولیت حمایت همیشه نیازمند واکنش است. یک روش پیش‌گیرانه واقعی بیشتر شبیه به یک رویکرد امنیت انسانی است که مسائل طولانی‌مدت و ساختاری واقعی را بررسی می‌کند که منجر به افزایش پتانسیل برای گونه‌ای از مفاهیم خشونت سیاسی می‌شود که مسئولیت حمایت قصد دارد آن را حل و فصل نماید. باید بین آنچه می‌تواند تلاش پیش‌گیرانه «ساختاری» (طولانی‌مدت) و مستقیم (فوری) نامیده می‌شود، تمایز قائل شد.

گزارش ۲۰۰۹ درباره «پیاده‌سازی مسئولیت حمایت»، طیف وسیعی از اقدامات پیش‌گیرانه را نشان می‌دهد: پشتیبانی از ظرفیت حمایت داخلی، برای مثال از طریق کمک‌های بین‌المللی و ظرفیت‌سازی (ص ۱۵-۲۲). ترغیب بین‌المللی، آموزش و تعلیم از طریق سازمان‌ها و نهادهای سازمان ملل متحد (پاراگراف ۳۰)؛ و هشدار و ارزیابی زودهنگام (ص ۳۱-۳۳).

منبع بیشتر از این اقدامات پیشنهاد شده را می‌توان در رویکرد «باریک، اما عمیق» در سخنرانی ارائه شده دبیر کل در برلین در سال ۲۰۰۸ یافت. دبیر کل اظهار داشت اگرچه مسئولیت حمایت، مجموعه محدودی از مسائل را همانند آن‌هایی که در سند نتیجه اجلاس سران ۲۰۰۵ مطرح شدند (نسل‌کشی، پاک‌سازی قومی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت) مطرح می‌کند، پاسخ به این جنایات باید عمیق باشد، تمام ابزارهای حمایت و پیش‌گیری موجود در سیستم سازمان ملل متحد، سازمان‌های

از آن‌ها خواست مذاکرات برای تشکیل یک دولت ائتلافی را آغاز کنند. در ۳ ژانویه، آمریکا، معاون وزیر امور خارجه در امور آفریقا، جندای فریزر را به کنیا فرستاد تا با کیباکی و اودینگا در حمایت از تلاش‌های اولیه میانجی‌گری جان کوفور، رئیس اتحادیهٔ آفریقا دیدار و گفت‌وگو کند.

پس از آن، گروهی از کمک‌کنندگان هم‌فکر متعاقباً از میانجی‌گری عنان پشتیبانی کردند. آنان به‌طور مداوم برای هماهنگ کردن استراتژی‌شان با عنان در تماس بودند (Brown, 2009). مقامات حزب وحدت ملی مردم به واگذاری زمین در مذاکرات بودند، زیرا آن‌ها در موقعیت دوفاکتو حکومت بودند و تمایل به پذیرش شکست نبودند، اگرچه آن‌ها به‌عنوان اعضای گروه قومی کیباکی تحت فشار بودند، کیکویو، در هنگام خشونت‌ها مورد هدف قرار گرفت. در اواسط ماه ژانویه، ۱۴ تا از اهداکنندگان، از جمله ایالات متحده، با صدور بیانه‌ای هشدار دادند که در کمک‌های خارجی به‌دلیل خشونت‌های صورت گرفته تجدیدنظر خواهند کرد و قسمت بیشتری از کمک‌ها ممکن است از طریق سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی در اختیار آن‌ها قرار گیرد (New York Times, 2008). فشار از طریق ممنوعیت سفر چهره‌های ارشد سیاسی از هر دو طرف افزایش یافت. در اوایل ماه فوریه، سفارت آمریکا اظهار داشت که وضعیت ویزای ۱۳ سیاستمدار و تجار کنیایی به دلیل شک در دخالت داشتن آن‌ها در خشونت‌ها مورد بررسی مجدد قرار گرفته است (Brown, 2009). وزیر امور خارجه آمریکا، کاندولیزا رایس در ۱۸ فوریه از نایروبی بازدید کرد و خیلی زود پس از بازگشت امکان به‌کارگیری مراحل تنبیهی بیشتر را در صورت

مورد بحث که در آن اهداکنندگان به‌طور سنتی از نتایج انتخابات ناعادلانه حمایت کرده بود، آن‌ها بر کیباکی فشار آوردند که اعتراض به نتایج انتخابات را بپذیرد (Kagwanjar & Southall, 2010).

پنج اهداکنندهٔ اصلی عبارت بودند از: ایالات متحدهٔ آمریکا (۲۷٪ از کل کمک‌ها، بالغ بر ۳۰۴ میلیون دلار در سال). انگلستان (۱۲٪، ۱۳۳ میلیون دلار) کمیسیون اروپا (۱۰٪، ۱۱۵ میلیون دلار)؛ ژاپن (۱۰٪، ۱۱۳ میلیون دلار)؛ و بانک جهانی / صندوق بین‌المللی پول (۱۰٪، ۱۱۱ میلیون دلار). پس از انتخابات سال ۲۰۰۷ چند سفیر، از جمله سفیران آلمانی، هلندی، آمریکا و انگلیسی، تلاش کردند از اعلام نتایج انتخابات تا زمان بازشماری آرا، جلوگیری کنند. تنها کشور غربی که پس از اعلام نتایج به کیباکی تبریک گفت ایالات متحده بود، اما این کشور به‌زودی موضع خود را تغییر داد. با توجه به یادداشت داخلی محرمانه نمایندهٔ بانک جهانی در کنیا، کالین بروس که به دفتر مرکزی آن در واشنگتن نوشته شده بود، به نظر می‌رسد بانک جهانی مایل به حمایت از پیروزی کیباکی بود. وایکلیف موگا معتقد است که اتحادیهٔ اروپا نقش مهمی در این برههٔ زمانی بازی کرد. آن‌ها ناظران انتخاباتی اعزام کردند که مایل بودند به انتخاباتی که به آن خدشه وارد بود، پایان دهند.

آدم وود، کمیساریای عالی بریتانیا، دو بار رئیس کمیسیون انتخابات کنیا (ECK) ساموئل کیویوتو ملاقات و او را تشویق به انجام تحقیقات قبل از اعلام نتایج کرد. بریتانیا اولین کشور پیشنهاددهندهٔ اشتراک قدرت بود. گوردون براون نخست‌وزیر انگلیس در ۳۱ دسامبر کیباکی و اودینگا فراخواند و

عدم موفقیت در پیشرفت مذاکرات مطرح کرد. در نهایت، در اواخر ماه فوریه، حزب وحدت ملی و جنبش دموکراتیک نارنجی، توافق ملی را امضا کردند که در آن در مورد اشتراک قدرت میان دو گروه به نتیجه رسیدند.

یکی از دلایل فشارهای مداوم بین‌المللی و مستمر بر بازیگران سیاسی ممکن است این باشد که کنیا به‌عنوان یک مرکز مهم و چندجانبه عمل می‌کند. این کشور میزبان مقر فرماندهی سازمان ملل متحد و سازمان‌های مختلفی، با بیش از ۱۰۰۰ کارمند بین‌المللی و ۳۰۰۰ کارمندان ملی است؛ بنابراین، ثبات کنیا، از اهمیت زیادی برای سازمان ملل متحد و دیگر بازیگران بین‌المللی برخوردار است. کنیا یک مرکز لجستیکی برای کمک‌های بشردوستانه در منطقه است. بسیاری از برنامه‌های کمکی بین‌المللی هماهنگ شده برای شاخ آفریقا از نایروبی هماهنگ شده‌اند (Kathina Juma, 2009) ماکومی امواگیرو، مدیر مؤسسه مطالعات بین‌المللی و دیپلماسی در دانشگاه نایروبی، استدلال می‌کند که اگرچه جنبش دموکراتیک نارنجی از میانجی‌گری نسبت به حزب وحدت ملی استقبال بیشتری کرد، نگرش کلی در کنیا نسبت به تلاش‌های بین‌المللی مثبت بود و مردم کنیا به‌شدت از ابتکار عمل عنان حمایت می‌کردند. لایتیا ون دن اسوم، سفیر هلند در کنیا توضیح می‌دهد که چگونه در زمان شایعات مبنی بر ترک کنیا توسط عنان، یک صندوقدار سوپرمارکت دست او را گرفته و گفته است: لطفاً اجازه ندهید که کوفی عنان ما را در این آشفته‌بازار ترک کند. (Aluanga, 2011)

برخی از عوامل، دستیابی به نتیجه مثبت را آسان کردند: سیاست خارجی کنیا به‌طور سنتی طرفدار غرب است که محیط متفاوتی را برای تلاش‌های حل منازعه خارجی و تا حد زیادی غربی به وجود می‌آورد. لفاظی‌های ضد استعماری محدود بود و عمدتاً از نخبگان طرفدار حزب وحدت ملی ناشی می‌شد (Jenkins, 2008, 12) کنیا پذیرای سرمایه‌گذاران خارجی و وابسته به کمک‌های اقتصادی است که بدان معنی است که یک رابطه قوی وابستگی متقابل وجود دارد که هر دوی اهداکنندگان و دریافت‌کنندگان، در این مورد حکومت کنیا، توانایی آن را ندارند که اجازه دهند این وابستگی از بین برود. همچنین کنیا یک مقصد توریستی محبوبی است؛ امکان ممتازی را به شرکت‌های چندملیتی می‌دهد؛ و پایتخت آن به مرکز امور منطقه‌ای و جهانی ارتقا یافته است (Miller, & Yeager, 1994, 161-180) در نهایت، کنیا، با توجه به نزدیکی آن به سومالی و به‌ویژه با توجه به اینکه القاعده حملاتی در کنیا، از جمله در سفارت آمریکا در سال ۱۹۹۸ مرتکب شده است، متحد مهم در «جنگ با ترور» است. (Brown, 2009) گیلبرت خادیگالا استدلال می‌کند که دقیقاً به دلیل وجود هم‌گرایی نسبت شرایطی که به نظر می‌رسد منحصر به بافت کنیا است، تلاش‌های بین‌المللی حل تعارض در مورد کنیا موفق بود. (Khadiagala, 2009) با این حال، اگر عنان در تضمین و حصول اطمینان از تلاش میانجی‌گرانه (جزئیات بیشتر در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت) موفق نمی‌بود، آیا این شرایط منحصر به فرد به موفقیت منجر می‌شدند؟ بستر مناسب برای موفقیت لازم است، اما کافی نیست.

۵-۱-۳. یک ابتکار منطقه‌ای: تیم میانجی‌گری کوفی عنان

برای ارزیابی اینکه چه میزان از اصول اساسی منطقه‌گرایی، پاسخ‌های بین‌المللی به بحران پس از انتخابات کنیا را تشکیل می‌دهند، از گزارش دبیر کل ۲۰۰۹ درباره «پیاده‌سازی مسئولیت حمایت» به‌عنوان یک مقیاس استفاده می‌شود. در این گزارش، در تطابق با گزارش بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها در سال ۲۰۰۱، دبیر کل پیشنهاد کرد که سازمان‌های منطقه‌ای می‌تواند یک جایگاه نهادی جایگزین برای مکانیزم حل تعارض در زمان بن‌بست شورای امنیت ارائه دهند (Ban Ki-Moon, 2009) (23) اما سازمان‌های منطقه‌ای نه تنها به‌عنوان یک جایگزین، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای مشارکت بازیگران منطقه‌ای که می‌توانند در کنار فعالیت‌های دوطرفه به‌صورت چندجانبه کار کنند، مورد توجه قرار گرفت:

مسئولیت حمایت یک اصل فراگیر است. با وجود این، در اجرای آن، باید به تفاوت‌های نهادی و فرهنگی یک منطقه نسبت به منطقهٔ دیگر احترام گذاشت. تلاش‌های انجام‌شده توسط سازمان‌های منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای می‌توانند ارزش بیشتری برای هر یک از سه رکن اصلی راهبرد به‌کار رفته برای تحقق وعدهٔ مسئولیت حمایت به ارمان بیاورد (United Nations, 2011, 3)

دبیر کل به‌طور مستقیم به مورد کنیا اشاره و در آن از تلاش‌های دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی موفق در جلوگیری از خون‌ریزی بیشتر در اوایل سال ۲۰۰۸ و پس از انتخابات مورد مناقشه تمجید کرد. (Ban Ki-Moon, 2009, 9) که نشانگر یک پاسخ موفق به

وضعیت مسئولیت حمایت تحت ستون سه (پاسخ به‌موقع و قاطع) بود. همان‌طور که قبلاً مطرح شد، منطقه‌گرایی به‌عنوان یک اصل اصلی مسئولیت حمایت در سال ۲۰۱۱ آشکار شد، گفت‌وگوی رسمی، تعاملی دربارهٔ مسئولیت حمایت در آن سال به نقش ترتیبات منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای در پیاده‌سازی مسئولیت حمایت اختصاص داده شد. (United Nations, 2011)

مشارکت منطقه‌ای در مورد کنیا در قالب یک تیم میانجی‌گری با حمایت مالی اتحادیهٔ آفریقا صورت گرفت. اتحادیهٔ آفریقا تعدادی از واسطه‌های بالقوه خود که اولین آن‌ها، دزموند توتو، فعال آفریقای جنوبی و اسقف بازنشستهٔ کلیسای انگلیکان را به کنیا فرستاد. پس‌از آن، جان کوفور رئیس‌جمهور سابق غنا؛ سپس سیریل رمپوسا، فعال آفریقای جنوبی و سیاست‌مدار فرستاده شدند، اما تلاش‌های میانجی-گری پیشرفت خوبی تا قبل از ورود دبیر کل سابق سازمان ملل، کوفی عنان، نداشت. توافق به‌دست آمده در آوریل سال ۲۰۰۸ بین رئیس‌جمهور کیباکی و رایلا اودینگا با وساطت کوفی عنان و تیم وی متشکل از شخصیت آفریقایی برجسته وی، از جمله بنیامین ام کاپا و گراشا ماچل صورت پذیرفت. تیم عنان دارای مهارت‌های دیپلماتیک متنوعی بود؛ دبیر کل غنایی سابق سازمان ملل تجربه زیادی در حل منازعه داشته و از ساختارهای بین‌المللی قدرت و نفوذ آگاه بود. ام کاپا، رئیس‌جمهور سابق تانزانیا، با توجه به نزدیکی جغرافیایی و آشنایی با احزاب سیاسی دانش محلی خوبی داشت (Khadiagala, 2009) ماچل که به‌دلیل فعالیت وکالت در زمینهٔ حقوق زنان و کودکان شناخته می‌شود، به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش

موزامبیک در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۹ فعالیت می‌کرد.

تیم میانجی‌گری توسط اتحادیه آفریقا هدایت می‌شد و پشتیبانی فنی را از سازمان ملل متحد (از DPA، برنامه توسعه سازمان ملل، دفتر سازمان ملل در نایروبی) و مرکز گفت‌وگو بشردوستانه در ژنو دریافت می‌کرد (Lianna, Josie & Lindenmayer, 2009). تیم میانجی‌گری از یک رویکرد بلوک ساختمانی استفاده کرد، میانجی با مسائل کمتر مناقشه‌انگیز شروع و با فعالیت از طریق آن‌ها برای تعامل با مسائل چالش‌برانگیز ایجاد اعتماد کرد. دستور کار شامل چهار اصل بود: اول، اقدام فوری برای متوقف کردن خشونت و بازگرداندن حقوق اساسی بشر؛ دوم، برخورد با بحران‌های انسانی و آشتی ملی؛ سوم، مذاکره در مورد بحران سیاسی جاری؛ و چهارم، استراتژی‌های بلندمدت، برای صلح پایدار (Kaye & Lindenmayer, 2009).

حمایت از تلاش‌های منطقه‌ای، طرح‌های جامعه مدنی محلی مختلفی بودند که توسط سازمان‌ها از جمله ائتلاف شهروندان برای صلح انجام می‌شدند که برای کنیایی‌ها فضایی برای گفت‌وگو ارائه می‌کرد؛ فعالیت‌های انجمن تولیدکنندگان کنیایی که از تأثیرات منفی بحران بر اقتصاد می‌ترسیدند و سازمان مرکزی تشکل‌های کارگری برای آغاز مذاکرات میان کیباکی و اودینگا (البته بدون موفقیت) معرفی شدند. ائتلافی با بیش از ۳۰ سازمان غیردولتی و مدنی تشکیل یک جنبش حفاظتی تحت عنوان کنیا برای صلح با حقیقت و عدالت (KPTJ) را دادند، همچنین از تلاش‌های میانجی‌گرانه اتحادیه آفریقا حمایت کردند (Juma & Kathina, 2009). ماینا کیایی

گزارشگر ویژه سازمان ملل بیان می‌کند که یک نمایش شگفت‌انگیز از وحدت جامعه مدنی و قدرت در آن زمان به وجود آمد، بنابراین مهم است که نقش فشارهای داخلی را بی‌اهمیت جلوه ندهیم. تجار بیرون آمدند، رسانه‌ها، کارهایی انجام دادند. تنها جامعه بین‌المللی نبود که این مشکل را حل کرد (Kiai, 2011).

اتحادیه آفریقا هدایت میانجی‌گری را در آن زمان به دست گرفت، اگرچه جایگزین‌های دیگری نیز مدنظر بود. در این بحران، دو سازمان منطقه‌ای دیگر که انتظار می‌رفت همانند اتحادیه آفریقا نقش مهمی بازی کنند، به محک آزمایش گذاشته شد: جامعه شرق آفریقا (EAC) و سازمان بین دولتی توسعه (IGAD). جامعه شرق آفریقا به رهبری رئیس‌جمهور اوگاندا، موسونی، در ابتدا خواستار یک‌راه حل سیاسی و قضایی برای بحران بود، کشورهای جامعه شرق آفریقا به دلایل اقتصادی، علاقه شدیدی به حل و فصل مسائل از طریق مذاکره داشتند (مسیرهای اصلی حمل و نقل از مومباسا تقریباً از کار افتاده بودند و اوگاندا، بروندی، شرق کنگو، رواندا و جنوب سودان با کمبود سوخت مواجه و جریان واردات مختل شده بود)، اما تلاش‌هایشان برای رهبری میانجی‌گری با تأیید پیروزی اعلام‌شده کیباکی توسط موسونی و گزارش‌هایی مبنی بر قرار گرفتن ۳۰۰۰ نیروی اوگاندایی در غرب کنیا برای حمایت از نیروهای دولت کنیا، پیچیده و بغرنج شد (Khadiagala, 2009). به همین ترتیب، جنبش دموکراتیک نارنجی، سازمان بین دولتی توسعه را دوست و غمخوار کیباکی نامید و پیشنهاد آن را درباره میانجی‌گری به همان دلایل رد کرد.

سپس خواستار همبستگی کنیایی‌ها برای تظاهرات مسالمت‌آمیز شد. در نهایت، سازمان بین دولتی توسعه در سطح وزرا ملاقاتی انجام دادند و عنان اعلام کرد به لحاظ عمومی فقط یک‌روند میانجی‌گری ادامه خواهد داشت. به دنبال آن جنبش دموکراتیک نارنجی تظاهرات برنامه‌ریزی شده را لغو کرد. ایالات متحده و کانادا در آن زمان گزارش دادند که ممنوعیت‌های سفر برای کسانی که متهم به ایجاد مانع در روند میانجی‌گری هستند، اعمال می‌شود (Kaye and Lindenmayer, 2009)

مذاکرات عنان در زیرزمین هتل سرنا نایروبی برگزار شد. ناظران اتحادیه آفریقا میانجی‌گری اتحادیه آفریقا را تحت عنوان «راه حل آفریقایی برای یک مشکل آفریقایی» توصیف کردند (Khadiagala, 2009, 179). با این حال، به شدت بر تهدیدها و فشارهای غربی، به ویژه ایالات متحده متکی بود. در واقع، این سؤال وجود دارد که آیا میانجی‌گری می‌توانست به نتیجه‌ای مشابه بدون فشار کشورهای اهداکننده برسد؟ ماکومبی امواگیرو، در مصاحبه‌ای در نایروبی در دسامبر ۲۰۱۱، می‌گوید:

«اتحادیه آفریقا دارای ساختارهایی است که بسیار متفاوت از ساختارهای قدیمی OAU (سازمان وحدت آفریقا) است. بسیار پیشرفته‌تر؛ اما متأسفانه برخی از جنبه‌های آن نسبت به OAU تغییر نکرده است... آن‌ها هنوز هم به حکومت احترام زیادی می‌گذارند... آن‌ها باید با حکومت مقابله کنند. تجزیه و تحلیل آن‌ها از شرایط و مسائل هنوز قدیمی است. این یک مشکل است. ساختار وجود دارد ولی شیوه تفکر چیزی است که نیاز به تغییر دارد».

جان کوفور، رئیس‌جمهور پیشین غنا و رئیس اتحادیه آفریقا در آن زمان بیان داشت که او می‌تواند پیشنهاد عنان را امکان‌پذیر سازد. در ۱۶ ژانویه، روزی که قرار بود عنان سوار کشتی شود و به کنیا بیاید، به علت تب به بیمارستان رفت که موجب تأخیر یک هفته‌ای در شروع میانجی‌گری شد. در این زمان بود که او تمام طرفین را به پذیرش یک فرایند میانجی‌گری و حمایت کامل و غیر مستقیم جامعه جهانی متعهد کرد (Kaye and Lindenmayer, 2009). هنگامی که کوفی عنان و تیمش در اواخر ماه ژانویه به نایروبی رسیدند، موسونی هنوز تلاش می‌کرد که در مذاکرات شرکت کند، با کیباکی و جنبش دموکراتیک نارنجی ملاقات و پیشنهاد تأسیس یک کمیسیون قضایی تحقیق برای بررسی نتیجه انتخابات را داد. با وجود این، جنبش دموکراتیک نارنجی این پیشنهاد را به سخره گرفت و اعلام کرد که روش‌های مذاکره چندجانبه کارآمد نیستند. عنان دوباره به رهبران غربی و آفریقایی اطمینان داد که هیچ فرایند میانجی‌گری رقابتی وجود ندارد. سپس موسونی از آغاز نشانه‌های میانجی‌گری اتحادیه آفریقا در ۲۴ ژانویه خبر داد که دخالت جامعه شرق آفریقا را نتیجه می‌داد (Khadiagala, 2009).

در اوایل فوریه، مذاکرات پیشنهادشده توسط سازمان بین دولتی توسعه (IGAD)، در نایروبی و در هفته چهارم فوریه برگزار شد که مجدداً موفقیت میانجی‌گری عنان را تهدید کرد. حزب وحدت ملی خواستار این مذاکرات بود، به خصوص که در آن مشروعیت رئیس‌جمهور کنیا تثبیت شده بود و چنین جلسه‌ای تنها می‌توانست توسط یک رئیس دولت تشکیل شود، اما جنبش دموکراتیک نارنجی با آن‌ها مخالف کرد و

متحد بود، اما این بار او تحت نظارت اتحادیه آفریقا بود. مोगامبی کیایی می‌گوید:

«فرستادن عنان یک حرکت بزرگ بود. از این جهت بزرگ بود چون نمی‌بینید که تمامی کشورهای آفریقایی میزبان بگویند نگاه کنید، دوباره شما دخالت کردید، این یک دستور کار غربی است، در حالی که اکثر آن‌ها فهمیده‌اند که از نظر منابع، حتی مشروعیت، آن‌ها بازیکن بزرگ را می‌خواهند. بازیکن بزرگ این است که کوفی عنان می‌تواند گوشی خود را بردارد و به جورج دبلیو بوش زنگ بزند یا با گوردون براون صحبت کند. در بیرون البته شایعاتی وجود داشت: او به ما گزارشی نمی‌داد. این همان چیزی است که بوروکراسی نامیده می‌شود. در آدیس‌آبابا گفتند: «اگر هیچ‌چیز دست‌آورد دیگری نباشد، فقط داشتن وجهی که نشان داد مسئولیت حمایت چیزی بیش از حمله جامعه بین‌المللی و همکاری در یک محیط بسیار پیچیده است، ویژگی به آن می‌دهد به این معنا که آن را مانند یک تلاش قاره‌ای می‌نگرند تا تلاشی که در آن بازیگران برای مثال از ژنو یا نیویورک یا لندن آمده‌اند» (Kiai, 2011)

اگرچه میانجی‌گری توسط اتحادیه آفریقا انجام شد، اما کشورهای اهداکننده نقش اصلی را در پیشبرد مذاکرات ایفا کردند. وایکلیفت موگا استدلال می‌کند که موقعیت حساسی است که در آن شما به اتحادیه آفریقا به عنوان چهره رسمی مذاکرات نیاز دارید اما بازوی اصلی در جای دیگر است (Muga, 2011) بخش عمده موفقیت میانجی‌گری متکی به کوفی عنان است که مشروعیت لازم برای قابل اعتماد بودن برای تمامی طرف‌ها را داشته است. میانجی‌گری با رهبری عنان مذاکره ماهرانه و دیپلماسی را با مثال

کشورهای اهداکننده باهم نزدیکی داشتند و با هماهنگ کردن رویکردشان، اهرمی مورد نیاز برای پیشبرد میانجی‌گری را فراهم کردند (Khadiagala, 2009) در ۱۲ فوریه، مذاکرات برای جلوگیری از پوشش رسانه‌ها، به پارک ملی غرب تی ساو در جنوب شرقی کنیا منتقل شد. این امر با کمک وضع منطقه پرواز ممنوع در بالای ناحیه میسر شد. مذاکرات نهایی بین کیبکی و اودینگا به رهبری عنان صورت گرفت، وی از رئیس‌جمهور تانزانیا جاکایا کیکوته و رئیس‌جمهور سابق ام کاپا خواسته بود که به این مذاکرات بپیوندند. این مذاکرات در هارمبی هوس برگزار شد. پس از پنج ساعت و نیم مذاکرات فشرده، توافق به دست آمد و بعد از آن در روز ۲۸ فوریه، در طی مراسمی کیبکی و اودینگا توافق‌نامه اصول مشارکت دولت ائتلافی را امضا کردند (Kaye and Lindenmayer, 2009) این توافق شرایط و نحوه اشتراک قدرت را تعیین می‌کرد که به موجب آن به نخبگان قومی احزاب هم‌تراز، سمت‌های اجرایی را در یک دولت ائتلافی اختصاص می‌داد. این امر منجر به انتصاب یک کابینه با ۴۰ عضو شد که بزرگ‌ترین کابینه در تاریخ کنیا است (Kagwanja & Southall, 2009)

مونیکا جوما استدلال می‌کند که این دیدگاه وجود دارد که سه میانجی آفریقایی (با اطمینان از اینکه این روند تحت رهبری آفریقا و به صورت چندجانبه در نظر گرفته شود) مانع از مقاومت در روند میانجی‌گری شدند، ممکن است ناشی از ارتباط با نیروهای خارجی غربی و یا دیگران باشد (Kagwanja & Southall, 2009) ماینا کیایی استدلال می‌کند سخت است که بگوییم اسقف توتو و یا کوفی عنان امپریالیست هستند (Kiai, 2011) عنان دبیر کل سازمان ملل

(Sharma, 2011, 290) به تحکیم و تقویت هنجار و تقویت منطقه‌گرایی به‌عنوان یک اصل ضروری برای مسئولیت حمایت کمک کرد.

۶. نتیجه‌گیری

بروز خشونت‌ها پس از انتخابات ۲۰۰۷ قطعاً به‌عنوان موردی که در آن «آستانهٔ مسئولیت حمایت» حداقل برای اصل پیش‌گیری مسئولیت حمایت به وقوع پیوسته بود، توصیف شده است. تعداد قابل توجهی از مردم در یک دورهٔ کوتاه کشته شدند، بر طبق شواهد سیستماتیک، خشونت‌های قومی از پیش برنامه‌ریزی‌شده، به شکل نگران‌کننده یادآور چیزی بود که به مدت یک دهه در رواندا دیده شد. تعداد آوارگان افزایش یافت و اقتصاد در معرض سقوط قرار گرفت (تبار کنیایی درون جنگ داخلی، تنها یک سناریو انتزاعی نبود، بلکه یک احتمال واقعی بود) در واقع، می‌توان نتیجه گرفت که عملاً، فرصت برای پیش‌گیری واقعی از دست رفته بود (Sharma, 2010) در هر صورت، وضعیت به‌گونه‌ای بود که در آن مقامات ملی در آن زمان، در حفاظت از جمعیت با «شکست آشکار» مواجه بودند.

تعدادی از بازیگران بین‌المللی و محلی به‌طور مستقیم در میانجی‌گری شرکت کرده و در آن زمان به مسئولیت حمایت پیوستند: در ژانویهٔ سال ۲۰۰۸، زمانی که بحران ادامه داشت، برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه و اروپا اظهار داشت که راه‌حل سیاسی سریع نیاز است و فرانسه از تلاش‌های تیم میانجی-گری کوفی عنان با حمایت اتحادیهٔ آفریقا و سازمان ملل متحد حمایت می‌کند: «به نام مسئولیت

نشان داد، شایستگی در مدیریت «توازن پیچیده بین فشارهای بین‌المللی و یک بافت محلی که در آن احزاب به‌تدریج اهمیت انطباق با یکدیگر را یاد گرفتند» (Khadiagala, 2009, 182)

عنان در درجهٔ اول با سازمان ملل متحد همراه بود، اهمیت نمادین در این زمینه این است که سازمان ملل هرگز از عنان جهت ارائه گزارش به اجلاس دعوت نکرد. در یک مصاحبه، یک دیپلمات غربی بیان کرد که چون عنان از ابتدا با سازمان ملل متحد مرتبط بود، اتحادیهٔ آفریقا، داستان موفقیت کنیا به‌عنوان یک سابقه و ساختار سازمانی برای حل تعارضات خود را جشن نگرفت.

با این حال، این واقعیت وجود دارد که اتحادیهٔ آفریقا نقش اساسی در روند میانجی‌گری بازی کرد و به مشروعیت روند میانجی‌گری اضافه کرد. در واقع، تقریباً غیر قابل تصور است که میانجی‌گری توسط یکی از سازمان‌های منطقه‌ای صورت نمی‌گرفت. میانجی‌گری موفقیت‌آمیز بود، اما نتیجهٔ میانجی-گری، به‌منظور تجزیه و تحلیل، در اینجا در درجهٔ دوم قرار دارد. مورد کنیا نشان می‌دهد که بازیگران بین‌المللی به‌طور طبیعی فرض کردند که سازمان‌های منطقه‌ای قرار بوده رهبری را به‌عهده بگیرند. درجهٔ نهادینه‌سازی مسئولیت پیش‌گیری در سازمان‌های منطقه‌ای مربوطه (اتحادیهٔ آفریقا، EAC یا IGAD) و نقشی که این سازمان‌ها در روند میانجی‌گری بازی کردند، منعکس‌کننده اهمیت رو به رشد منطقه‌گرایی در پیش‌گیری از خشونت است. میانجی‌گری موفق اتحادیهٔ آفریقا، به نوبهٔ خود، گفتمان‌های بعدی در زمینهٔ مسئولیت حمایت را شکل داد. متعاقباً پس از آن کنیا به‌عنوان یک مورد نمونه (Preston-McGhie &

دیده‌ایم» (African Genocide Averted, 2008) عنان بیان می‌کند، مسئولیت حمایت، «به ملت‌ها و مردم یک معیار می‌دهد، یک استاندارد که آن‌ها می‌توانند دولت خود را پاسخ‌گو نگه‌دارند» (Annan & Mousavizadeh, 2012, 132)

بالین‌حال، این پرسش همچنان مورد توجه است که واقعاً قدرت منطق مسئولیت حمایت چه نقشی در تلاش‌های کاهش درگیری بازی می‌کند، به‌خصوص با توجه به شرایط منحصر به فرد و مطلوب که در آن اقدامات واکنشی در کنیا صورت گرفت، علاقه مشترک و رایج به دنبال این بود که بحران به سرعت و بدون خون‌ریزی و بی‌ثباتی بیشتر حل و فصل شود. همه طرف‌ها، از جمله حزب اعتماد ملی و جنبش دموکراتیک نارنجی، موافق بودند که هیچ‌کس آماده دفاع از تبار کنیایی در یک جنگ داخلی نبود، مداخله در محیطی که در آن بازیگران منافع سیاسی، اقتصادی، استراتژیک، یا ایدئولوژیک قوی دارند و در برابر یکدیگر به رقابت می‌ایستند، بسیار مشکل‌تر است. روزنامه‌نگار کنیایی وایکلیفت موگا نتیجه می‌گیرد که: «یک مرتبه معلوم شد که ما ایستاده‌ایم تا همه چیز را از دست بدهیم، آن‌ها تصمیم گرفتند راهی برای همکاری با یکدیگر پیدا کنند» (Muga, 2011)

در نتیجه، می‌توان استدلال کرد که هم‌گرایی منافع پیرامون یک توافق در مورد اشتراک قدرت، به‌جای اقدام بر اساس مسئولیت حمایت، موفقیت میانجی‌گری را توضیح می‌دهد که موفقیت میانجی‌گری بیشتر به خصوصیات پرونده کنیا نسبت به توانایی مسئولیت حمایت برای تغییر واقعیت‌های سیاسی در این زمینه متکی بود. بدون شک میانجی‌گری صرف‌نظر از وجود یا استفاده از مسئولیت حمایت رخ

حمایت، کمک به مردم کنیا ضروری است شورای امنیت سازمان ملل باید این سؤال را مطرح و به آن عمل کند» (International Coalition for the Responsibility to Protect, 2008) است که کوشش از حق مداخله استفاده نمی‌کند؛ بلکه صراحتاً به مسئولیت حمایت اشاره می‌کند (France Diplomatie, 2008)

بازیگران دیگر نیز به مسئولیت حمایت استناد کردند. فرانسویس دنگ، مشاور ویژه سازمان ملل متحد در مورد پیش‌گیری از نسل‌کشی، از رهبران سیاسی خواست تا به مسئولیت حمایت خود عمل کنند. در فوریه سال ۲۰۰۸، نزدیک به پایان روند میانجی‌گری، دزموند توتو اعلام کرد: «من اعتقاد دارم آنچه ما در کنیا شاهد بودیم اقدامی بر اساس یک اصل اساسی است: مسئولیت حمایت».

میانجی‌گری عمده کوفی عنان یکی از نیروهای پیشرو در حمایت از تلاش‌ها برای ترویج شناخت بین‌المللی مسئولیت حمایت و سابقه اندیشه‌ای بود که به تدوین مسئولیت حمایت در هزاره جدید منجر شده بود (Annan, 1999) کوفی عنان پس از بحران گفت که او «بحران را بر طبق منشور مسئولیت حمایت با حکومت کنیایی که ناتوان در مهار اوضاع و یا محافظت از مردم خود دیده بود و کنیا، یک نمونه موفق از عمل بر مبنای مسئولیت حمایت» بود (Cohen, 2008) عنان گفت: «هنگامی که ما از مداخله صحبت می‌کنیم، مردم فکر می‌کنند منظور مداخله نظامی است». او در ادامه گفت: «اما بر طبق مسئولیت حمایت، نیروی نظامی آخرین چاره است. مداخله سیاسی و دیپلماتیک اولین مکانیسم است و من فکر می‌کنم ما یک نمونه موفق از کاربرد آن را

بین‌المللی وجود داشت. این ممکن است یک تصادف خوشحال‌کننده باشد، اما با توجه به تلاش‌های گسترده که از درس‌هایی که از دیگر موارد اخیر، به‌ویژه تراژدی رواندا گرفته شده است، این احتمال بیشتر است که پاسخ به بحران پس از انتخابات نهادینه‌سازی روش پیش‌گیرانه را منعکس کند.

میانجی‌گری نشان داد که «چندجانبه‌گرایی» و «منطقه‌گرایی» به توصیف استاندارد پاسخ‌های بین‌المللی مرسوم تبدیل شده‌اند. بازیگران بین‌المللی به دنبال رضایت نخبگان حکومتی کنیا در همه زمان‌ها بودند، اعمال فشار، برای اطمینان بود، اما در واقع هرگز از مسیر اجبار عبور نکردند. درحالی‌که ممکن بود تعدادی از عوامل تسهیل‌کنندهٔ چنین استراتژی (سیاست‌های طرفدار غرب کنیا، منافع تجاری گسترده و غیره) وجود داشته باشد.

آنچه در مورد این پرونده قابل توجه است این است که نشان می‌دهد که بازیگران بین‌المللی به شیوه‌ای عمل کردند که به شکل قابل تشخیصی مطابق با اصول اساسی مسئولیت حمایت است، چه آن‌ها به آنچه انجام می‌دادند، آگاه بودند و یا به‌سادگی به این دلیل که آن‌ها فکر می‌کردند مناسب‌ترین رویکرد را انتخاب کرده‌اند. بدیهی است که تعداد قابل توجهی از بازیگران کلیدی (اولین و مهم‌ترین آن‌ها رهبری میانجی‌گرانه عنان) با مسئولیت حمایت آشنا بودند. برخی از این بازیگران به مسئولیت حمایت در رابطه با بحران کنیا استناد کردند (چه بحران در حال انجام بود، یا پس از آن). باین حال، حتی بدون استناد آشکار به مسئولیت حمایت، بعد کیفی واکنش بین‌المللی به بحران نشان می‌دهد که اصول بین‌المللی زیربنای

می‌داد. این مطلب به این معنا نیست که رویکرد بین‌المللی به بحران، تأثیر رو به رشد مسئولیت حمایت در عمل بین‌المللی را منعکس نمی‌کند. گرچه ایجاد یک رابطه علت و معلولی مستقیم بین به‌کارگیری مسئولیت حمایت و میانجی‌گری دشوار است، اما پرونده نشان می‌دهد که اصول بنیادین تثبیت هنجار مسئولیت حمایت، عرف بین‌المللی را آگاه کرد. به‌طوری‌که بازیگران اقدامات پیش‌گیرانهٔ مناسب را در پاسخ به وخیم‌تر شدن اوضاع پس از انتخابات در نظر گرفتند. این دوره از وقایع در کنیا، به نوبهٔ خود، به‌خوبی به تلاش‌ها برای ترویج مسئولیت حمایت در سطح بین‌المللی ادامه داد.

نامیدن کنیا به‌عنوان یک نمونهٔ موفق مسئولیت حمایت باعث شد تا مسئولیت حمایت کمتر به‌عنوان عامل تهدیدکننده و از بین برندهٔ حاکمیت دولت به نظر برسد؛ به‌ویژه در زمانی که بسیاری از کشورهای دربارهٔ آن تجدیدنظر کردند. استفاده از مسئولیت حمایت برای میانجی‌گری در کنیا موفقیت داستان کنیا را به مثالی ارزشمند برای طرفداران مسئولیت حمایت که مشتاق تقویت اصول اساسی آن هستند، تبدیل می‌کند: پیش‌گیری، رضایت، چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی.

واکنش بین‌المللی به بحران در برطرف کردن خشونت موفقیت‌آمیز عمل کرد. این تلاش‌ها به‌طور کلی در قالب پیش‌گیری انجام شدند، اگرچه با وجود علائم هشداردهندهٔ آشکار، فرصت پیش‌گیری طولانی‌مدت و ساختاری از دست رفته بود. با وجود این، واکنش‌ها به اولین نشانه‌های خشونت در پی نتایج انتخابات مورد مناقشه سریع و شگفت‌آور بود و هماهنگی خوبی بین بازیگران دولتی و غیر دولتی

مسئولیت حمایت تأثیر قابل توجهی بر عملکردهای بین‌المللی داشته است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

کتابها

- Kagwanja, Peter and Southall, Roger, (2009), "Introduction: Kenya - A Democracy in Retreat?", Journal of Contemporary African Studies, Volume 27.

- Kagwanja, Peter and Southall, Roger, (2009), "Introduction: Kenya - A Democracy in Retreat", Journal of Contemporary African Studies Volume 27.

- Kanyinga, Karuti, (2009), "The Legacy of the White Highlands: Land Rights, Ethnicity and the Post-2007 Election Violence in Kenya", Journal of Contemporary African Studies, Volume 27.

- Khadiagala, Gilbert, (2009), "Regionalism and Conflict Resolution: Lessons from the -Kenyan Crisis", Journal of Contemporary African Studies.

- Lindenmayer, Elisabeth and Kaye, Josie Lianna, (2009), "A Choice for Peace? The Story of Forty-One Days of Mediation in Kenya", New York: International Peace Institute, August.

- Jenkins, Simon, (2008), "quoted in Makumi Mwagiru, The Water's Edge: Mediation of Violent Electoral Conflict in Kenya", 1 ed., vol. 3, IDIS Publications on International Studies, Nairobi: Institute of Diplomacy and International Studies.

- Mbura Kamungi, Prisca, "The Politics of Displacement in Multiparty Kenya," Journal of Contemporary African Studies, Volume 27, 2009.

- Brown, Stephen, (2007), "From Demiurge to Midwife: Changing Donor Roles in Kenya's Democratisation Process", Kenya: The Struggle for Democracy, Dakar: Codesria Books.

- Cohen, Roger, "How Kofi Annan Rescued Kenya", The New York Review of Books, 2008.

- Miller, Norman and Yeager, Rodge, (1994), "Kenya: The Quest for Prosperity", 2nd ed. Westview Profiles/Nations of Contemporary Africa, chapter 6.

- Preston-McGhie and Sharma, " 'Kenya' The responsibility to protect: the promise of stopping mass atrocities in our time", edited by Jared Genser and Irwin Cotler, New York: Oxford University Press, 2011.

مقالات

- Brown, Stephen, (2009), "Donor Responses to the 2008 Kenyan Crisis: Finally Getting It Right?", Journal of Contemporary African Studies, Volume 27

- Juma, Monica Kathina, (2009), "African mediation of the Kenyan post-2007 election crisis Journal of Contemporary African Studies", Volume 27.

presentation-du-kenya_983/situation-au-kenya-2008_18317/m.-kouchner-violences-au-kenya-31.01.08_59045.html

-International Coalition for the Responsibility to Protect, "Violence in Kenya: Statement Made by French Foreign and European Affairs Minister Bernard Kouchner", <http://www.responsibilitytoprotect.org/index.php/component/content/article/129->

- Sharma, Serena, To The Broker 2010, <http://www.thebrokeronline.eu/Blogs/The-Responsibility-to-Protect/The-Responsibility-to-Prevent-Lessons-from-Kenya-s-post-electoral-crisis>

مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها

- Annan, Kofi and Mousavizadeh, "Interventions: A Life in War and Peace", London: Allen Lane, 2012

- Kiai, Maina interview in Nairobi, 20 December 2011.

- Muga, Mugambi, interview in Nairobi, 19 December 2011.

- Wycliffe in an interview, Nairobi, 13 December 2011

- Stephen Brown and Rosalind Raddatz, (2014) "Dire Consequences or Empty Threats? Western Pressure for Peace, Justice and Democracy in Kenya", *Journal of Eastern African Studies* 8, no. 1

اسناد

-Annan, Kofi, "Two Concepts of Sovereignty", 1999.

- International Commission on Intervention and State Sovereignty, "The Responsibility to Protect: Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty", 2001.

- Ki-Moon, Ban, (2009), "Implementing the Responsibility to Protect: Report of the Secretary-General", United Nations

روزنامه

-New York Times, 17 January 2008

سایت

-Cohen, Roger, "African Genocide Averted", The New York Times, 2008, [africa/1501-violence-in-kenya-statement-made-by-french-foreign-and-european-affairs-minister-bernard-kouchner](http://www.nytimes.com/2008/01/17/africa/1501-violence-in-kenya-statement-made-by-french-foreign-and-european-affairs-minister-bernard-kouchner).

- France Diplomatie, "Situation Au Kenya: Declaration De M. Bernard Kouchner", http://www.diplomatie.gouv.fr/fr/pays-zones-geo_833/Kenya_372/